

قلمرو صلاحیت دادستان در حفظ محیط زیست به عنوان یکی از مصادیق حقوق عامه

مریم بلندی^۱

محسن میثمی نیا^۲

چکیده

منابع طبیعی یکی از مواهب الهی است که بشر در ایجاد آن دخالتی نداشته است ولی به عنوان یکی از بنیان‌های نظام اقتصادی جایگاه ویژه‌ای در بهبود اقتصاد و شرایط زندگی افراد دارد. از نظر فقهی و حقوقی، دخل و تصرف افراد در مواهب طبیعی تا جایی که موجب اضرار سایر افراد و اجتماع نگردد جایز است و دولت نیز موظف است که از ابزارهای نظارتی برای حفظ محیط زیست بهره‌بردار. از لحاظ حقوقی، محیط زیست از مصادیق انفال و اموال عمومی است و حفاظت و نگهداری آن بایستی به طور خاص مد نظر قرار گیرد. قانونگذار ایران به این مهم توجه ویژه داشته و در قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را یک وظیفه عمومی دانسته و فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، را ممنوع اعلام کرده است. دادستان به عنوان مدعی العموم و حافظ حقوق عامه در نظارت بر حفاظت از محیط زیست و اقدامات لازم در پیشگیری از تخریب آن و اعلام جرم و تعقیب تخریب‌کنندگان و مجرمان زیست محیطی وظیفه‌ی خطیری را عهده‌دار است. در خصوص پیشگیری از تخریب محیط زیست، دادسرا نقش اصلی را ایفاء می‌نماید؛ دادسرا با صدور دستورات ویژه در خصوص پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست مانند تعطیلی صنایع آلوده‌ساز محیط زیست یا الزام آن‌ها به اصلاح ماشین‌آلات مربوطه، آموزش و نظارت بر اقدامات ضابطین خاص دادگستری در حوزه محیط زیست و نیز رسیدگی فوری و صدور احکام قاطع در دعاوی زیست محیطی در دادگاه‌ها و برخورد جدی با متعرضین به محیط زیست، این پیام روشن را به مخاطبان می‌فرستد که قوه قضائیه در برخورد با تخریب و ارتکاب جرایم زیست محیطی هیچگونه تساهل و تسامحی از خود نشان نخواهند داد. انتشار این پیام می‌تواند اثر ارعابی و پیشگیرانه قاطعی در وقوع مجدد اینگونه جرایم در جامعه داشته باشد. علاوه بر این در خصوص برخورد با تخریب‌کنندگان زیست محیطی نیز دادسرا با برخورد قاطع و اجرای اشد مجازات برای مجرمان زیست محیطی و اعمال جریمه‌های مالی سنگین برای آن‌ها و الزام آنان به اعاده وضع به حالت پیش از تخریب، هم ریسک و هزینه ارتکاب این گونه جرایم را برای مجرمان بالا برده و هم درصد میزان جبران خسارات زیست محیطی را افزایش می‌دهد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر تحلیل محتوایی و اصول حقوقی قلمرو صلاحیت دادستان در حوزه‌ی حقوق محیط زیست مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: تخریب، حقوق عامه، دادستان، محیط زیست.

bolandi290@yahoo.com

meisami158@yahoo.com

^۱ دانش‌آموخته دکتری حقوق- مدرس دانشگاه و قاضی دادگستری.

^۲ کارشناسی ارشد حقوق

مقدمه

محیط زیست یکی از مهمترین موضوعاتی است که انسان را با چالش‌های متعدد و جدی مواجه نموده است و در این رابطه عدم حفظ محیط زیست و تخریب آن زندگی نسل بشر را با تهدید جدی مواجه نموده است و در همین راستا حفاظت و نگهداری از محیط زیست همواره به عنوان یک وظیفه‌ی همگانی به عهده‌ی مردم و نیز دولت و سازمان‌ها و نهادهای مربوطه شناخته شده است و اصل ۵۰ قانون اساسی نیز حفاظت از محیط زیست که نسل‌های امروز و آینده باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند را یک وظیفه‌ی همگانی معرفی نموده است.

محیط زیست معنای بسیار گسترده‌ای دارد و صرفاً منابع طبیعی، منابع آبی و خاکی را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه هر آنچه که مربوط به آب و خاک و فضا باشد را به نوعی می‌توان تحت عنوان محیط زیست به شمار آورد. علی‌رغم اینکه حفاظت از محیط زیست یک وظیفه‌ی همگانی شمرده می‌شود؛ لکن دولت و به ویژه قوه قضاییه وظیفه‌ای مهم و تأثیرگذار در این حوزه دارد؛ علاوه بر مسئولیت قوای مقننه و مجریه در این زمینه که قانونگذار در قوانین مختلف متعرض آن گردیده است، قوه قضائیه به عنوان حافظ حقوق عامه بایستی حداکثر تدابیر را در خصوص پیشگیری و جلوگیری از تخریب محیط زیست به عمل آورد که البته این وظیفه بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری به دلیل اهمیت محیط زیست و پیشگیری از تضییع حقوق عامه و شهروندان به عهده‌ی دادستان به عنوان مدعی‌العموم گذارده شده است.

با وجود آنکه قوانین و مقررات، بخشنامه و آیین‌نامه‌های متعدد به مباحث حقوق عامه به طور عام پرداخته است؛ لیکن در سال‌های اخیر حقوق عامه به صورت خاص مورد توجه قرار گرفته است. تشکیل معاونت حقوق عامه در دادستانی کل کشور و همچنین صدور دستورالعمل‌های مربوط به حقوق عامه و لایحه‌ی قانونی آن، نشان دهنده‌ی توجه ویژه به این امر مهم در دستگاه قضایی است. در هر صورت محیط زیست به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر، اهمیت و جایگاه خاص خود را داشته و در همین راستا دادستان به عنوان مدعی‌العموم و در جهت حفاظت از حقوق شهروندان در پیشگیری و برخورد با مجرمین زیست محیطی و نیز نظارت بر ضابطان حوزه‌ی محیط زیست، وظایف و اختیارات گسترده‌ای دارد که مطابق قانون به وی اعطا گردیده است.

با توجه به اینکه حفظ محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن ارتباط بسیار تنگاتنگی با حقوق شهروندان دارد و یکی از وظایف اصلی دادستانی نیز حفظ حقوق عامه می‌باشد، در این پژوهش در خصوص صلاحیت و وظایف دادستان در حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از مهمترین مصادیق حقوق عامه پرداخته می‌شود و در این زمینه بررسی خواهد شد که اختیارات و وظایف دادستان در حوزه‌ی محیط زیست کدام موارد خواهد بود؟ و به تفکیک در حوزه‌ی پیشگیری و مقابله و برخورد با مجرمین حوزه‌ی محیط زیست چه وظایفی به عهده‌ی دادستان مربوطه می‌باشد؟ راهکارهایی که دادستان‌های شهرستان‌ها و دادستان کل به صورت خاص و قوه قضاییه به صورت عام در این زمینه به عهده دارد چه می‌باشد؟ تشکیل دادرسی‌های تخصصی در این زمینه راهگشا خواهد بود یا خیر؟

۱- مفهوم محیط زیست و تخریب آن

محیط زیست مهمترین میراث مشترک بشریت است و حفظ محیط زیست، پاسخ به یکی از نیازهای امروز جامعه برای نگهداری بیشتر از محیط زیست و رعایت حقوق عمومی است و تخریب محیط زیست، معلول نابرابری‌های اجتماعی و استفاده‌های غلط از

طبیعت و یکی از عوامل تزییع حقوق انسان‌هاست. انسان همانگونه که حق استفاده و بهره‌مندی از محیط زیست سالم را دارد، مسؤولیت درست استفاده کردن از آن را نیز بر عهده دارد، در این مقاله بدو مفهوم محیط زیست و تخریب آن را بیان و سپس به بررسی قلمرو صلاحیت دادستان در این حوزه می‌پردازیم.

۱-۱- مفهوم محیط زیست

در مقررات و قوانین ایران تعریفی از محیط زیست مشاهده نمی‌گردد؛ لکن با کنکاش در مقررات مختلف می‌توان گفت که در یک معنای عام منظور از محیط زیست علاوه بر محیط طبیعی (بیوسفر) که ساخته دست انسان نبوده و در برگیرنده عوامل جاندار مثل حیات وحش، پوشش‌های گیاهی و نیز عوامل بی‌جان مانند آب و هوا و خاک می‌باشد؛ محیط مصنوعی ساخت دست بشر شامل انواع بناها و آثار تاریخی را نیز در بر می‌گیرد و موارد اخیر نیز بایستی به عنوان بخشی از محیط زیست در برابر تخریب، محافظت شوند (حبیبی، ۱۳۸۹: ۷). به عبارت دیگر محیط زیست محیطی است که فرآیند حیات را فراگرفته است و با آن ارتباط دارد و شامل طبیعت، جوامع انسانی و فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده است، می‌شود و کل فضای زیستی کره زمین (زیست کره) را در بر می‌گیرد (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱: ۱).

۱-۲- مفهوم تخریب محیط زیست

رو به وخامت گذاشتن شرایط محیط زیست به دلیل کم شدن منابع طبیعی نظیر آب، خاک و هوا و از بین رفتن اکوسیستم‌ها، از بین بردن زیستگاه‌ها و انقراض حیات وحش و آلودگی را تخریب محیط زیست می‌نامند (Johnson, 1997: 581).

تخریب خاک اصولاً به معنی از دست رفتن یا کاهش کارکرد خاک با بهره‌برداری نامناسب از خاک است که قوای خاک را برای ایجاد خدمات مورد نیاز اکوسیستم کاهش می‌دهد و می‌تواند از طریق فرسایش آبی، فرسایش بادی، غرقابی شدن خاک و شوری، تخریب شیمیایی، تخریب فیزیکی و تخریب بیولوژیک خاک صورت پذیرد.

تخریب آب از روش‌های مختلفی مثل اسیدی شدن آب اقیانوس‌ها و آلوده کردن آب‌های زیر زمینی صورت می‌پذیرد. به طور کلی باید گفت که تخریب اکوسیستم، تخریب اقلیم‌ها و تغییرات اقلیمی و گرم شدن زمین، تخریب لازیه اُزن، استفاده‌ی بی‌رویه از سوخت‌های تجزیه‌ناپذیر و فسیلی و تخریب‌های ناشی از فناوری، مصرف بیش از حد، آلودگی، جنگل‌زدایی، از بین رفتن تنوع زیستی، ضرباتی است که توسط انسان بر محیط زیست وارد می‌آید و فروپاشی زیست محیطی و بحران‌های محیط زیستی را ایجاد می‌نماید.

۲- جایگاه دادستان در حمایت از محیط زیست

حفظ محیط زیست یکی از مسائل مهم و ضروری در جامعه امروزی بشر به شمار می‌رود. پیشرفت‌های روز افزون تکنولوژی‌ها از یک طرف و عدم رعایت اخلاق و مسؤولیت‌پذیری در خصوص سایر شهروندان و جامعه از طرف دیگر سبب شده است که بسیاری از کشورها در یک رقابت کنترل نشده وارد شده و در نهایت با تخریب عمده‌ی یا غیر عمده‌ی محیط زیست یک وضعیت نامناسب محیط زیستی را برای دهکده‌ی جهانی ایجاد نمایند.

بلا تردید حفظ و توسعه‌ی حقوق شهروندی و نیز برقراری امنیت عمومی یکی از وظایف هر حکومتی به شمار می‌رود و این امر محقق نمی‌گردد مگر با عدم تداخل مسؤولیت‌های ارکان مختلف دولت و البته اعمال نظارت دقیق و صحیح بر قوانین، توسط

نهاد قضایی که مستقل از قوای دولتی عمل می‌نماید و در حقوق ایران امور اساسی کشور از جمله وظایف نهادهای اداره کننده‌ی کشور و آزادی‌ها و حقوق مردم در قانون اساسی ذکر گردیده است و یکی از وظایف قوه قضاییه نیز احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین و انجام اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم مقرر گردیده است. در همین راستا دادسرا به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های قوه قضائیه با توجه به مقررات قانونی، وظایف خطیری را عهده‌دار خواهد بود که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۱-۲- حدود وظایف دادستان در حفاظت از محیط زیست

وظیفه‌ی دادسرا که دادستان ریاست آن را به عهده دارد، مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری، کشف جرم و تعقیب متهم و تحقیق و اقامه دعوا و حفظ حقوق عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم، اجرای احکام کیفری و نیز ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایف ضابط بودن، است.

چنانچه مشخص است در خصوص حقوق عامه که حفظ محیط زیست نیز یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود، دادستان علاوه بر وظیفه‌ی تعقیب و تحقیق در مورد جرایمی که در حوزه‌ی محیط زیست به وقوع می‌پیوندد، جهت پیشگیری از وقوع جرایم زیست محیطی و در حقیقت در راستای حفظ این میراث گران‌بهای بشریت در قالب حفظ حقوق عمومی و نیز نظارت بر حسن اجرای قوانین و همچنین نظارت بر ضابطین و تعلیم آن‌ها وظایفی را به عهده دارد. در همین زمینه دادستان کل کشور که بر اساس اصل ۱۶۲ قانون اساسی منصوب می‌گردد، در کنار سایر دادستان‌های سراسر کشور مطابق ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری برای حفظ حقوق عامه و نظارت بر اجرای قوانین موافق مقررات انجام وظیفه می‌نمایند و نیز بایستی مراقبت نمایند تا از حدود قانونی تجاوزی صورت نپذیرد. دادستان کل کشور بر اساس ماده ۱۷ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، بر کلیه دادرسی‌های شهرستان و استان نظارت داشته و در راستای حسن اجرای قوانین و ایجاد هماهنگی بین دادستان‌ها اقدام نماید. در این بخش به بررسی قلمرو صلاحیت دادستان کل و سپس دادستان‌های سراسر کشور پرداخته می‌شود.

۱-۱-۲- حدود وظایف دادستان در کل کشور در خصوص حفاظت از محیط زیست

با توجه به اینکه دادستان کل کشور جایگاه مدعی‌العمومی را دارا بوده و می‌بایست در زمینه‌ی حفظ حقوق محیط زیست که از مصادیق حقوق عمومی و حقوق بشر به شمار می‌رود، اقدامات مقتضی را به عمل آورد و چون ایجاد خط مشی سایر دادستان‌ها و هماهنگی بین ایشان نیز از جمله وظایف دادستان کل به شمار می‌رود، توجه ویژه‌ی وی به مسئله‌ی محیط زیست می‌تواند تأثیرات بسیار مثبت قضایی را به همراه داشته باشد. مشخص است که دادستان کل کشور خود نمی‌تواند به عنوان مدعی‌العموم در خصوص جرائم زیست محیطی اقدامی را انجام دهد و در این خصوص بایستی به سایر دادستان‌ها که مسائل و جرائم مذکور در حوزه قضایی ایشان به وقوع پیوسته است، اعلام جرم نموده و تقاضای تعقیب متهمین محیط زیستی را بنماید. بنابراین دادستان کل کشور می‌تواند به عنوان بالاترین مقام مدعی‌العمومی هر نوع رفتار و اقدامی که در عرصه ملی سبب ورود خسارت زیست محیطی گردد را به نیابت از جامعه، از دادستان‌هایی که موضوعات مذکور در حوزه‌ی صلاحیت ایشان به وقوع می‌پیوندد مطالبه نماید.

در خصوص همین مسئله از جمله وظایف دادستان کل کشور، مسئله‌ی حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی و حمایت از حقوق عمومی و نیز پیشگیری از تخریب زمین‌های ملی و تصرف منابع طبیعی در اجرای اصول یکصد و پنجاه و ششم، پنجاهم، چهل و نهم، و چهل و پنجم قانون اساسی می‌باشد. در سال ۱۳۸۳ شورای حفظ حقوق بیت‌المال در امور اراضی و منابع طبیعی با

دستور ریاست وقت قوه قضاییه تشکیل گردید، و در تیر ماه همان سال جهت اجرایی شدن تصمیمات شورا دستورالعملی تدوین گردید که بر اساس آن شورای مذکور جرایم مربوط به املاک دولتی و عمومی و منابع طبیعی و انفال را به صورت ویژه و تخصصی به محاکم مربوطه ارجاع دهد؛ بر اساس این دستورالعمل، دادستان کل کشور دبیر شورای حفظ حقوق بیت‌المال است و مسئولیت تشکیل و اداره‌ی شورای مذکور و رصد اجرای مصوبات و نظارت و انجام هماهنگی‌های مربوط به تشکیلات شورا را به عهده دارد.

هر چند که شورای حفظ حقوق بیت‌المال بر حسب اختیاراتی که دارد، صلاحیتی فراتر از مسائل زیست محیطی به عهده دارد؛ لکن باید اذعان داشت که یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین وظایفی که بر عهده‌ی این مرجع گزارده شده است مسائل مربوط به محیط زیست است که در دستورالعمل مربوط به این شورا گاه به صورت مستقل و گاه به صورت وابسته به سایر موضوعات حقوق عامه ذکر گردیده است و دادستان کل کشور نیز بر اساس مندرجات دستورالعمل مذکور وظیفه‌ی راهبری در این امر خطیر و مهم را عهده‌دار است.

۲-۱-۲- حدود وظایف دادستان شهرستان‌ها در خصوص حفاظت از محیط زیست

دادستان، رئیس دادسرا بوده و در زمینه‌ی کشف و تعقیب جرایم و نیز پیشگیری از وقوع جرم وظایف متعددی را عهده‌دار است؛ لذا در خصوص مسائل مربوط به حقوق عامه و موضوعات محیط زیست نیز در کلیه مراحل مربوطه از کشف جرم تا اجرای احکام کیفری محکومین نقش ویژه‌ای را ایفا می‌نماید. با توجه به اینکه جرائم حوزه‌ی محیط زیست از جمله جرائم مربوط به حوزه حقوق عمومی می‌باشد، دادستان بایستی در مواجهه با جرایم زیست محیطی و تخریب محیط زیست اعلام جرم نموده و متهم را مورد تعقیب کیفری قرار دهد و علاوه بر پرداختن به جنبه عمومی جرم، در مواردی که جرم همراه با ورود خسارت باشد بر اساس اصول ۴۹ و ۵۰ قانون اساسی، دادستان تکلیف خواهد داشت که رأساً نسبت به مرتکب واقعی اقامه‌ی دعوا نموده و اعلام جرم کند، در انتهای رسیدگی قضایی در خصوص جرائم زیست محیطی نیز مجدداً با توجه به وظایف ذاتی دادستان، اجرای احکام صادره از دادگاه‌ها بر عهده‌ی وی بوده و چنانچه مشخص است وی نقش مؤثری را در پیشگیری از وقوع جرائم، اعلام جرم و تعقیب متهمین و در انتها اجرای احکام کیفری مجرمین و محکومین دارا می‌باشد که این نقش به عنوان حافظ منافع عمومی می‌تواند بسیار مؤثر و حیاتی قلمداد گردد (خالقی، ۱۳۹۴: ۳).

علیرغم اینکه قانونگذار ایران در خصوص جرائم مختلف برای افراد فاقد سمت و غیر از شاکی و مدعی خصوصی، جایگاهی را در دعوی کیفری در نظر نگرفته است؛ ولیکن در خصوص جرائم محیط زیست بر اساس ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، برای سازمان‌های غیردولتی در خصوص اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی به نوعی سمت قائل گردیده است.

۲-۲- قلمرو صلاحیت و اختیارات دادستان

با عنایت به اینکه موضوعات مرتبط با حوزه‌ی محیط زیست (آب، خاک، هوا) از عناصر اساسی حق حیات و حق بنیادین برخوردار است و داشتن محیط زیست سالم به شمار می‌رود (مشهدی، ۱۳۹۰: ۵۰)؛ لذا هیچ کس حق ندارد به هر طریقی و با هر عنوانی باعث آلوده نمودن محیط زندگی (آلودگی آب، خاک، هوا) انسان گردد و به همین دلیل این وظیفه، یک وظیفه‌ی عمومی تلقی می‌گردد و فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست و یا صدمات غیر قابل جبران آن گردد، ممنوع می‌باشد. در همین راستا جایگاه به خصوصی برای بحث صیانت و حفاظت از حقوق زیست محیطی مد نظر قرار

گرفته و علاوه بر اینکه حفظ محیط زیست در مهمترین قانون کشور یک وظیفه‌ی همگانی قلمداد گردیده است، در خصوص نقض کنندگان این حق بنیادین بشر نیز مسئولیت کیفری و مدنی مقرر شده است.

در همین رابطه بر اساس مقررات قانونی بسیاری از فعالیت‌های انسانی بر روی عناصر و یا محیط‌های طبیعی حذف یا محدود گردیده است. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۶: ۱) تعهد دولت‌ها در خصوص رعایت محیط زیست، به معنای تعهد حاکمیت به حفظ محیط زیست است. دولت‌ها بایستی ضمن ارائه‌ی اطلاعات به مردم، سعی کنند حساسیت و مشارکت عموم را در حفظ این میراث گرانبها تشویق نمایند و به علاوه دسترسی مؤثر به مراجع قضایی، اداری من جمله مجازات و جبران خسارت‌ها را تضمین نمایند. یقیناً دولت‌ها با برنامه‌ریزی و قانونگذاری می‌توانند اهداف زیست محیطی را محقق نمایند. در همین رابطه وظیفه‌ی دادستان به عنوان مدعی‌العموم و حافظ منافع عمومی در حفظ این حق بنیادین جایگاه ویژه‌ای تلقی می‌گردد.

در خصوص قلمرو صلاحیت دادستان در جرائم زیست محیطی با توجه به گستردگی وظایف دادستان، آن را در سه مبحث اصلی مورد مطالعه قرار می‌دهیم؛ صلاحیت‌های دادستان در خصوص پیشگیری از وقوع جرائم زیست محیطی، قلمرو صلاحیت دادستان در آموزش و نظارت بر ضابطین حوزه‌ی مربوطه و صلاحیت وی در مقام مدعی‌العموم در تعقیب جرائم حوزه‌ی محیط زیست.

۲-۲-۱- قلمرو صلاحیت دادستان در پیشگیری از وقوع جرائم زیست محیطی

گرچه پیشگیری از جرائم محیط زیستی مختص به دستگاه خاصی نبوده و همه بخش‌های جامعه اعم از قوای سه گانه و دولت به معنای عام کلمه این وظیفه‌ی مهم را عهده‌دار هستند؛ لکن رسالت پیشگیری از وقوع جرائم جزو وظایف ذاتی قوه قضاییه محسوب می‌شود و دادستان به عنوان مدعی‌العموم و حافظ منافع مردم و جامعه وظیفه‌ی مهمی را در این زمینه عهده‌دار است به نوعی باید گفت که قوه قضاییه وظیفه پیشگیری از وقوع جرائم را از طریق دادستان‌های حوزه‌های قضایی انجام می‌دهد. بر اساس ماده ۱ دستورالعمل شماره ۳ طرح جامع رفع اطاله دادرسی (در امور کیفری) مورخ ۱۳۸۵/۸/۳۰، پیشگیری از وقوع جرم از وظایف مهم مصرحه دادستان هر حوزه قضایی است. وظایف پیشگیری از وقوع جرم دادستان‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

جمع‌آوری آمار و اطلاعات مربوط به انواع جرائم، بررسی جرائم ارتكابی از حیث نوع جرم، کاهش و افزایش جرم و عوامل جرم‌زا، تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی اطلاعات بدست آمده در زمینه جرائم ارتكابی، شناسایی و تأثیر عوامل وقوع جرم، تعامل با دستگاه‌ها، ارگان‌ها و سازمان‌هایی که در ارتباط با پیشگیری از وقوع جرم مؤثر است، ارائه گزارش لازم به رییس دادگستری کل استان در زمینه آمار و اطلاعات مربوط به اقدامات صورت گرفته در راستای پیشگیری از وقوع جرم، شناسایی مناطق جرم‌زا، نظارت مستمر بر مراجع ذی‌ربط در جهت اجرا و پیشگیری سیاست‌های ابلاغی پیشگیری از وقوع جرم، تشکیل شناسنامه و پیشینه کیفری برای مجرمان با سابقه مؤثر کیفری و ارائه آن به مراجع قضایی و انتظامی ذی‌ربط در جهت کنترل آنان و پیشگیری از وقوع جرم، ارزیابی بازتاب سیاست‌های پیشگیرانه به منظور شناسایی نقاط ضعف و قوت اقدامات انجام گرفته است.

دادستان باید در راستای هدف پیشگیری از وقوع جرم با استناد به آئین‌نامه مصوب ۱۳۸۳ رئیس قوه قضاییه، نظارت بر حفاظت از محیط زیست را بر عهده بگیرد و برای ایفای نقش پیشگیرانه‌ی خود در جهت حفاظت از محیط زیست باید تدابیر و اقدامات مناسبی را انجام دهد. یکی از مهمترین تدابیر، تشکیل دادرها و شعب ویژه، جهت رسیدگی به جرائم زیست محیطی و نیز نظارت دقیق بر عملکرد ضابطان دادگستری در راستای پیشگیری از وقوع جرائم محیط زیستی است. شرایط خاص زیست محیطی کشور و گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری و نیز تخریب‌هایی که سبب نابودی سرمایه‌های ملی می‌گردد، ضرورت ایجاد

دادسرا و دادگاه تخصصی یا دست کم شعب تخصصی برای محیط زیست را توجیه می‌نماید. ایجاد شعب تخصصی در خصوص جرایم زیست محیطی علاوه بر کاهش اطلاعاتی دادرسی و رسیدگی تخصصی و دقیق‌تر به موضوعات حوزه محیط زیست، سبب می‌گردد که دادستان بتواند نظارت دقیق‌تری نسبت به ضابطین این حوزه داشته باشد و به طور مستمر نیز نسبت به آموزش آن‌ها اقدام نماید.

در راستای حفظ محیط زیست و در جهت سلامتی افراد جامعه اگر سازمان‌های متولی حفظ محیط زیست به وظایف قانونی خود در زمینه محیط زیست عمل نکنند دادستان به عنوان مدافع حقوق مردم می‌تواند به موضوع ورود پیدا کرده و حتی بدون اطلاع سازمان‌های مربوطه مانع تخریب محیط زیست گردد. در این زمینه رئیس قوه قضاییه نیز در اواخر سال ۱۳۹۳ بخشنامه‌ای را صادر کرده است و همچنین مطابق سایر قوانین و مقررات مرتبط با حوزه محیط زیست، دادستان اختیار دارد نسبت به تعطیلی و توقیف آلاینده و کارخانه‌های آلوده‌ساز اقدام کرده و در این زمینه به صدور دستورات ویژه اقدام کند. اضافه بر آن از احداث غیرقانونی تأسیساتی که منجر به تخریب محیط زیست می‌شوند، جلوگیری کرده و اقدامات قانونی لازم را در این زمینه اعمال کند.

۲-۲-۲- قلمرو صلاحیت دادستان در نظارت و آموزش ضابطین حوزه محیط زیست

مسیر درست و صحیح امور، زمانی شکل می‌گیرد که نهادهای مسئول به گونه‌ای عمل نمایند که تداخلی در وظایف ایشان وجود نداشته باشد و نظارت قدرتمندی نیز از جانب مرجع مستقلمی صورت پذیرد. در خصوص محیط زیست و حفاظت از آن علاوه بر اقدامات مؤثر مردمی و سازمان‌های خصوصی که می‌توانند نقش مهمی را در حفاظت از محیط زیست به عهده بگیرند، نمی‌توان نقش سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌ها را نادیده گرفت، در این خصوص دولت‌ها و مسئولان حکومتی می‌توانند از طریق آموزش دادن مردم و نیز تصویب مقررات مربوطه و اجرای صحیح و دقیق قوانین مرتبط با محیط زیست به طور جدی با آلودگی و تخریب محیط زیست مقابله نمایند. یکی از موارد نظارت دادستان‌ها، نظارتی است که دادستان‌ها در خصوص انجام وظایف ضابطین سازمان محیط زیست به عنوان متولی اصلی و رسمی حفاظت از محیط زیست به عهده دارد.

مطابق ماده ۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، حفاظت، بهبود و بهسازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، همچنین کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و آبیان آب‌های داخلی از وظایف سازمان محیط زیست است. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست علاوه بر تعیین سازمان محیط زیست به عنوان نگاهبان اصلی حفاظت از محیط زیست که به عنوان شاکی و مدعی خصوصی تلقی می‌گردد، جایگاه ضابط دادگستری را برای مأمورین سازمان حفاظت محیط زیست که از طرف آن سازمان مأمور کشف و تعقیب جرایم مذکور در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و قانون شکار و صید هستند، در نظر گرفته است. بر اساس ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مأمورین سازمان که از طرف سازمان، مأمور کشف و تعقیب جرایم فوق‌الذکر می‌شوند، در صورتی که وظایف ضابطان دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان عمومی تعلیم گرفته باشند، از لحاظ اجرای این قانون و قانون شکار و صید در ردیف ضابطان دادگستری محسوب می‌شوند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۷۵: ۵).

نقش دادستان در خصوص موضوع آلودگی هوا نیز یکی از موارد مهم زیست محیطی به شمار می‌رود؛ قانون پیشگیری و مبارزه با آلودگی هوا برای کنترل و مهار آلودگی هوا تکالیفی را بر عهده‌ی نهادهای مختلف نهاده است که هر یک بایستی در حیطه‌ی وظایف خود به نحو احسن عمل نمایند و دادستان نیز در این زمینه وظیفه‌ی نظارت بر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مذکور را دارد و در صورت تخلف از حدود وظایف قانونی وظیفه‌ی برخورد با ایشان نیز به عهده‌ی دادستان خواهد بود. در

خصوص آلودگی هوا ماده ۶۸۸ و ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی نیز مقررات مناسبی در خصوص جرم انگاری و پیگیری قضایی ناقضین و آلوده کنندگان هوا دارد.

یکی از مهمترین اختیارات نظارتی دادستان در زمینه حفاظت از محیط زیست، نظارت بر کار ضابطان حوزه‌ی مربوطه است. دادستان در خصوص محیط زیست به تبع اختیاراتی که وفق قانون به وی اعطا شده است، نظارت بر ضابطان و مقامات مرتبط قضایی در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی مرتبط با تخریب زیست محیطی، آلودگی‌های ناشی از آلاینده‌ها و صدور دستورات ویژه در حوزه محیط زیست را بر عهده دارد. با توجه به اینکه ریاست دادستان بر ضابطین، صرفاً در حدود جرایم زیست محیطی و نسبت به ضابطین این حوزه می‌باشد، باید دانست که از دید قوانین اولاً ضابطان دادگستری، اشخاصی هستند که از سوی مقام قضایی جهت امور محوله قانونی در مورد جرایم زیست محیطی مأموریت پیدا می‌کنند و این مأموریت ممکن هست به غیر از کارمندان دولت نیز محول شود، زیرا واژه مأموران واژه مطلق است که منحصر در کارمندان دولت نمی‌باشد، ثانیاً اقدامات ضابطان دادگستری در مورد جرایم زیست محیطی باید تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی صورت گیرد. ضابطان دادگستری نماینده مقام قضایی محسوب می‌شوند و در چارچوب نمایندگی، فعالیت می‌کنند و اختیاراتی از خود ندارند مگر در موارد خاصی که رسیدگی سریع لازم باشد و دسترسی به مقام قضایی ممکن نباشد یا اخذ دستور از مقام قضایی موجب فرار متهم یا از بین رفتن دلایل شود؛ بنابراین در صورت ارتکاب جرایم مشهود در حوزه محیط زیست ضابطان موظف هستند اقدامات قانونی لازم را برای جلوگیری از امحای آثار و فرار متهمین را انجام دهند. دادستان نیز به عنوان حافظ حقوق بنیادی شهروندان موظف است در مورد جرایم مشهود و حتی غیر مشهود مرتبط با جرایم زیست محیطی اقدامات لازم را انجام دهد.

ضابطین خاص در حوزه محیط زیست عبارتند از:

- طبق ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، مأمورین جنگلبانی ضابط خاص به شمار می‌روند.
- سازمان حفاظت محیط زیست در جهت انجام وظایف ذکر شده در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (۱۳۵۳/۳/۲۸) و قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ اقدام به ایجاد گارد حفاظتی محیط زیست نموده که در آن افرادی را با سمت‌های معین جهت وظایف خاص تعیین نموده است و مأمورین آن، آموزش‌های خاص ضابطین دادگستری را تعلیم می‌بینند. طبق ماده ۱ دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست، گارد محیط زیست به افرادی اطلاق می‌شود که پس از طی دوره‌های آموزشی مربوطه مسئولیت اجرائی نظارت بر فعالیت‌های توسعه عمرانی و کنترلی عوامل تخریب یا ترمیم و بهسازی آن و نیز مسئولیت اجرای قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست و شکار و صید را بر عهده داشته و متشکل از ارشد محیط‌دار، افسر محیط‌دار، محیط‌دار و محیط‌بان، شکاربان) کمک محیط بان (محیط‌بان، راننده، اسلحه‌دار، کارشناس، کاردان و تکنسین) محیط زیست می‌باشد. بنابراین کلیه مأمورین شکاربانی (مأمورین سازمان حفاظت محیط زیست) هم ضابط خاص دادگستری هستند.
- مطابق ماده ۷ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، مأمورین شهرداری جزو ضابطین خاص محیط زیست محسوب می‌شوند. بر اساس ماده ۱۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت، طبق قانون حفظ کاربری اراضی زارعی و باغ‌ها؛ مصوب ۱۳۷۴ مأمورین وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، طبق ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب، مأمورین وزارت نیرو (اداره امور آب)، طبق تبصره ۴ ماده ۹ و همچنین ماده ۱۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، بازرسان و کارشناسان مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران نیز به عنوان ضابط خاص دادگستری معرفی شده‌اند.

علاوه بر این برخی از وظایف اصلی ضابطین دادگستری از قبیل، بازرسی محل‌های تولید و توقیف و حفظ آلات جرم، اعلام جرم و درخواست تعقیب متهمان را به بازرسان و کارشناسان مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران محول نموده ولی بر ضابط بودن آن‌ها تصریح ننموده است.

۲-۲-۳- قلمرو صلاحیت دادستان در تعقیب جرائم ارتكابی در حوزه‌ی محیط زیست

چنانچه ذکر گردید، به موجب قانون اساسی مسئولیت کشف و پیشگیری جرایم از جمله جرایم زیست محیطی به عهده‌ی قوه قضاییه است و انجام این مورد به جز در موارد استثنایی که قانون مقرر نموده است توسط دادستانی انجام می‌گیرد؛ چراکه هر گونه خسارت و لطمه به محیط زیست لطمه به منافع عامه‌ای است که مدعی‌العموم یا دادستان وظیفه حفاظت از آن را عهده‌دار است؛ لذا حتی اگر در قانون صراحتاً اشاره‌ای به نقش دادستان در جرائم زیست محیطی نشده باشد، وظیفه دارند که در این دسته از جرایم به صورت فعال واکنش نشان دهند؛ چرا که ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی این تکلیف عمومی را بر عهده قوه قضاییه قرار می‌دهد. به علاوه برای دادستان در قوانین زیست محیطی نیز وظایف خاصی پیش‌بینی گردیده است. بر اساس ماده ۱۹ آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب‌ها سازمان محیط زیست در صورت نقض مقررات قانونی که منجر به آلودگی آب‌ها گردد، مستنداً به ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، سازمان محیط زیست باید به دادستان‌های حوزه‌ی مربوطه اطلاع دهد، تعامل بین سازمان حفاظت محیط زیست و دادستانی به وسیله ماده ۱۱۹ آیین‌نامه مذکور مشخص می‌گردد.

جهت پیشگیری و مقابله با آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست شهروندان می‌شود (موضوع ماده ۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست) و نیز مطابق مقررات مذکور به دلیل تصریح قانون پیشگیری و مبارزه با آلودگی هوا که مسببان آن و کسانی که دخیل در ارتكاب جرم آلودگی هوا (فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای که منتهی به آلودگی هوا) هستند، بایستی در راستای نجات و حفظ محیط زیست و حفاظت از جان شهروندان مورد تعقیب قرار بگیرند (احمدی نیاز، سایت تابناک).

به طور کلی باید گفت که در دادرسی‌های کیفری زیست محیطی، می‌توان وظایف دادستان را به سه دسته تقسیم نمود؛ از مراحل مختلف رسیدگی به یک جرم (کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب، دادرسی، اجرای حکم) مرحله‌ی کشف جرم به عهده‌ی ضابطین و مرحله تحقیقات مقدماتی به عهده‌ی بازپرس بوده که البته طبق قانون، دادستان و دادیار نیز می‌توانند در آن حیطه انجام وظیفه نمایند. مرحله دادرسی نیز اگرچه به عهده‌ی دادگاه می‌باشد؛ لکن دادستان در دفاع از کیفرخواست می‌تواند نقش فعالی را ایفا نماید و مراحل تعقیب و اجرای حکم نیز در قلمرو صلاحیت دادستان به شمار می‌رود.

چنانچه محیط زیست تخریب یا آلوده گردد، بزه محیط زیستی به وقوع پیوسته است و در این زمینه مقنن، نهادها و سازمان‌هایی که در این زمینه دارای مسئولیت هستند را مشخص نموده است و علاوه بر این قانون اساسی در اصل پنجاهم، از بین بردن محیط زیست و آلودگی هوا را جزو جرائم عمومی دانسته و برای همه‌ی افراد وظیفه برخورد با آن را پیش‌بینی کرده است. بنابراین عموم افراد جامعه و نیز اشخاص مختلف دولتی و غیردولتی مکلف به حفظ محیط زیست هستند و دادستان‌ها نیز در صورت وقوع جرم محیط زیستی و اطلاع از آن مکلف به ورود به موضوع هستند؛ کشف جرم از طریق ضابطان دادگستری که از حیث ضابط بودن، دادستان رئیس ایشان به شمار می‌رود و نیز توسط گزارش‌های سازمان بازرسی یا سایر نهادهای رسمی دارای مسئولیت در جرائم محیط زیستی صورت می‌پذیرد. علاوه بر این سازمان‌های مردم نهاد (سمن)^۳ و فوق قانون آیین دادرسی کیفری

^۳.NGO (Non-Governmental Organization).

می‌توانند در جرائم محیط زیستی اعلام جرم نمایند. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد؛ سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضائی اعتراض نمایند. واضح است که سازمان‌های مردم نهاد مربوطه باید در چارچوب اهدافی که ایجاد شده‌اند، فعالیت کنند. حق اقامه دلیل و شرکت در جلسات دادرسی و حق اعتراض نسبت به آراء، زمینه‌ی مناسبی را جهت دادرسی عادلانه در خصوص جرائم زیست محیطی فراهم می‌کند.

دادستان در خصوص جرایمی که توسط سازمان‌های مردم نهاد در حوزه محیط زیست اعلام جرم می‌گردد، می‌تواند تعقیب مجرمان زیست محیطی را آغاز نماید هر چند که به نظر می‌رسد جرائم محیط زیست نیاز به شکایت به شاکی خصوصی ندارد و دادستان رأساً نیز می‌تواند تعقیب در این جرائم را آغاز نماید. در همین زمینه قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) شروع به تعقیب جرائم موضوع مواد ۶۸۶ (آتش زدن جنگل‌ها)، ۶۸۰ (صید و شکار حیوانات بدون مجوز)، ۹۷۵ (از بین بردن درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز) و ۶۸۷ (اختلال در وسایل و تأسیساتی که مورد استفاده عموم است) را نیازمند شکایت شاکی خصوصی ندانسته؛ هر چند مقنن در اقدامی عجیب جرائم موضوع مواد ۶۷۹ (شکار حیواناتی که شکار آن‌ها از طرف دولت ممنوع اعلام شده است)، ۶۸۴ (از بین بردن تاکستان‌ها، باغ‌ها، نخل‌ها، نخلستان‌ها)، ۶۸۵ (از بین بردن یا قطع اصل نخل خرما) را دارای جنبه خصوصی دانسته و شروع به تعقیب در این دسته از جرائم را مستلزم شکایت شاکی خصوصی می‌دانست که البته با حذف مواد مربوطه در اصلاحات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ مشکل قانون مجازات اسلامی حل شد ولی متأسفانه رویکرد دوگانه قانونگذار همچنان در برخی از قوانین خاص محیط زیست قابل مشاهده است؛ قانون شکار و صید، سازمان حفاظت محیط زیست را صرفاً از جهت ضرر و زیان ناشی از جرم مدعی خصوصی می‌شمارد و در خصوص جنبه‌ی عمومی جرم متعرض موضوع نشده است و ماده ۱۸ قانون شکار و صید بیان می‌کند که در جرایم مذکور در این قانون سازمان (سازمان حفاظت از محیط زیست) از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود. مقنن در قانون حفاظت و بهسازی در ماده ۱۴ مقرر می‌دارد که در مورد جرایم مذکور در این قانون سازمان حفاظت محیط زیست حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود، در تفسیر این ماده علیرغم اینکه ظاهراً جرائم موضوع قانون مذکور دارای جنبه خصوصی بوده و قانون به نوعی دست دادستان برای ورود به این دسته جرائم را بسته و آن را در اختیار سازمان محیط زیست قرار داده است؛ لکن به نظر می‌رسد قانون در مقام بیان جنبه‌ی خصوصی داشتن این جرائم نبوده بلکه صرفاً در مقام بیان مسئولیت سازمان محیط زیست بوده و این سازمان مکلف است که در جرائم موضوع قانون فوق‌الذکر اقدام نماید و در صورت عدم اقدام علاوه بر امکان پیگیری موضوع عدم اقدام سازمان محیط زیست در سازمان بازرسی کل کشور، دادستان حق ورود مستقیم به موضوع جرم به وقوع پیوسته را خواهد داشت؛ همچنین است ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی هم که در مقام جرم‌انگاری اقدامات تهدید علیه بهداشت عمومی است. تشخیص تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست و همچنین اعلام جرم در خصوص آن را به عهده‌ی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت از محیط زیست و سازمان دام پزشکی قرار داده است. با همین استدلال در بخشنامه‌ی ریاست قوه قضاییه در اسفند ماه ۱۳۹۳ دادستان‌ها مکلفند حتی در صورت عدم شکایت سازمان‌های متولی حفظ محیط زیست در صورت بروز جرم زیست محیطی رأساً ورود پیدا کرده و متهم را تحت تعقیب قرار دهند.

پس از کشف و اعلام جرم، به جز جرائمی که در صلاحیت مستقیم دادگاه می‌باشد، جهت تحقق دادرسی عادلانه، دادرسی با ریاست دادستان بایستی تشریفات آیین دادرسی کیفری را رعایت نماید؛ در این زمینه جمع‌آوری ادله‌ی به نفع و ضرر متهم و اقدامات لازم در خصوص جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و در نهایت اظهارنظر نهایی در مورد موضوع پرونده کار دادستان را در تحقیقات مقدماتی پایان می‌دهد و در انتها با صدور کیفرخواست در صورت احراز عمل مجرمانه از دادگاه صالح و قانونی پیگرد متهم را با صدور کیفرخواست درخواست می‌نماید، که این سیکل با صدور حکم عادلانه و اجرای صحیح حکم مذکور نتیجه بخش خواهد شد.

نتیجه‌گیری

حق بر داشتن محیط زیست سالم یکی از انواع حقوق بشر است که علاوه بر آنکه ارزش‌های متعالی مثل حق حیات را انعکاس می‌دهد، برای دوام نسل بشر در آینده و توسعه‌ی پایدار نیز ضروری می‌باشد. در همین راستا مطابق قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست به عنوان وظیفه همگانی بر عهده مردم و دولت است. در این خصوص نقش دادستان به عنوان مدعی‌العموم دارای اهمیت است و مطابق قانون وظایف و اختیاراتی بر عهده وی قرار داده شده است. دادستان به عنوان حافظ حقوق عامه، وظیفه اعلام جرم و تعقیب قانونی تخریب کنندگان محیط زیست را داشته و در راستای حفاظت از حقوق عامه می‌تواند دستورات ویژه-ای مانند تعطیلی کارخانه‌ها و صنایع آلوده‌ساز را صادر نماید. علاوه بر این، دادستان وظیفه دادن تعلیمات لازم به ضابطان را بر عهده داشته و بایستی بر ضابطان مرتبط با این حوزه نیز مطابق اختیارات قانونی، نظارت داشته باشد.

طبق قانون اساسی اهداف قوه قضائیه عبارت است از پشتیبانی و احقاق حقوق عامه و گسترش آزادی‌های مشروع. با توجه به اینکه حق بر محیط زیست سالم از حقوق عامه می‌باشد، پشتیبانی و احقاق آن از اهداف این قوه است. در خصوص پیشگیری از تخریب محیط زیست، دادرسی نقش اصلی را ایفاء می‌نمایند. تهیه و تنظیم یک لایحه قانونی کارشناسی شده، مدون و یکپارچه زیست محیطی توسط قوه قضائیه یکی از نیازهای جامعه حقوقی کنونی ایران است. این لایحه تخصصی با ارائه به مجلس و تصویب آن و تبدیل آن به قانون، می‌تواند مانع بسیاری از آسیب‌های زیست محیطی در ایران گردد. رئیس قوه قضائیه حسب وظیفه ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های آن، می‌تواند نسبت به تأسیس و استقرار دادرسی و دادگاه حقوقی و کیفری تخصصی، ویژه رسیدگی به جرایم زیست محیطی در حوزه‌های قضائی اقدام نموده و به استخدام قضات با تخصص

زیست محیطی در این دادگاه‌ها و دادرسی‌ها بپردازد. این دادگاه‌ها و دادرسی‌ها با رسیدگی فوری و صدور احکام قاطع در دعوی زیست محیطی و برخورد جدی با متعرضین به محیط زیست، این پیام روشن را به خاطیان می‌فرستند که قوه قضائیه در برخورد با تخریب و ارتکاب جرایم زیست محیطی هیچگونه تساهل و تسامحی از خود نشان نخواهند داد. انتشار این پیام می‌تواند اثر ارعابی و پیشگیرانه قاطعی در وقوع مجدد اینگونه جرایم در جامعه داشته باشد.

در خصوص نقش دادستانی پس از تخریب و ورود آسیب به محیط زیست نیز نقش دادرسی کاملاً برجسته است. دادگاه‌ها و دادرسی‌ها با برخورد قاطع خود و با اعمال و اجرای اشد مجازات برای مجرمان زیست محیطی و اعمال جریمه‌های مالی سنگین برای آن‌ها و الزام آنان به اعاده وضع به حالت پیش از تخریب، هم ریسک و هزینه ارتکاب این گونه جرایم را برای مجرمان بالا برده و هم درصد میزان جبران خسارات زیست محیطی را افزایش می‌دهند.

به طور کلی تعهدی که قوه قضائیه ایران با آن مواجه است؛ بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها به منظور حفظ محیط زیست کشور به نحو مطلوب می‌باشد و هر فعالیتی که جهت حفظ و حراست از محیط زیست ملی انجام دهد در راستای ایفای این تعهد مهم بین‌المللی ارزیابی می‌گردد. قوه قضائیه ایران عمل به این تعهد را با ارایه لوایح قانونی کارشناسی شده به مجلس، ایجاد شعبات ویژه رسیدگی به جرایم زیست محیطی در حوزه‌های قضایی، تسهیل و تقویت عناصر فرایند دادرسی از قبیل توجه ویژه به اقدامات فوری با داشتن ضابطان قضایی خاص و تسهیل اجرای آرای صادره از محاکم دیگر کشورها در حوزه محیط زیست، ایفاء می‌نماید. در واقع این قوه به تفسیر، توسعه، الزام و اجرای قوانین زیست محیطی همت گمارده و در این راستا می‌تواند از تجربه سیستم قضائی بین‌المللی که منجر به توسعه تدریجی رویه قضایی بین‌المللی شده است به عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل، به مثابه الگویی گرانبه‌بردار بهره‌برداری نماید.

منابع الف) منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، بهمن (۱۳۹۴). نقش دادستان در حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۲- احمدی نیاز، حسین، ضرورت ورود دادستانی به مقوله آلودگی هوا، سایت تابناک www.tabnak.ir
- ۳- بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۱). مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی محیط زیست، جلد ششم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۴- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۱). حقوق کیفری محیط زیست، جلد اول، تهران: نشر قومس.
- ۵- حبیبی، حسن (۱۳۸۹). حقوق محیط زیست، جلد اول، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- خالقی، علی (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات شهر دانش.
- ۸- رضائی قوام‌آبادی، محمد حسین (۱۳۷۵). «ذینفع در دعاوی کیفری زیست محیطی، در حقوق کیفری محیط زیست؛ ملاحظات و راهکارها»، مجله حقوقی دادگستری.
- ۹- مشهدی، علی (۱۳۹۱). بنیادهای حقوق محیط زیست فرانسه، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۱۰- نساجی زواره، مهدی (۱۳۹۷). نقش قوه قضائیه ایران در ایفای تعهدات حقوق بین‌الملل محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

ب) منابع انگلیسی

- ۱- Johnson, D.L., S.H. Ambrose, T.J. Bassett, M.L. Bowen, D.E. Crummey, winter-Nelson. ۱۹۹۷. Meanings of environmental terms. Journal of environmental quality ۲۶:۵۸۱-۵۸۹.